

ارائه الگوی مدیریت بحران در مناطق روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان قرچک)

علی عبدی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بیژن رحمانی^۱

عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

شهره تاج

عضو هیئت علمی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۲۰ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۳۰

چکیده

ایران به لحاظ وضعیت جغرافیایی، شرایط آب و هوایی و ویژگیهای ژئوپلیتیک^۲ در زمره کشورهای بلاخیز دنیا به شمار می آید و در طول تاریخ شاهد حوادث و سوانح بسیاری بوده است. قاره آسیا از نظر شیوع حوادث و بلایای طبیعی، رتبه اول را در دنیا دارد و ایران پس از هند، بنگلادش و چین چهارمین کشور آسیا و ششمین کشور دنیا از نظر کثرت وقوع بلااست. (جهانگیری، ۱۳۸۹، ۲۱) در این میان نقاط روستایی، به دلیل روابط تنگاتنگ با محیط طبیعی و داشتن توانهای محدود، آسیب پذیری بیشتری نسبت به نقاط شهری دارند. خطر زلزله بسیاری از روستاها را تهدید می کند. (www.retrofitting.ir) در حدود ۵ هزار روستای واقع در حاشیه کویر، به دلیل گسترش بیابان، تهاجم ریگهای روان و خشکسالی^۳، در معرض تهدید هستند. همچنین بالغ بر ۱۲ هزار روستای مستقر در جوار رودخانه‌ها نیز غالباً در معرض خطر سیل قرار دارند. با توجه به اهمیت موضوع در این تحقیق به نقش مدیریت محلی (شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها) در ارائه الگویی به جهت برنامه‌ریزی کاهش مخاطرات طبیعی پرداخته شد. هدف این بود تا نقش مدیریت محلی را در کاهش مخاطرات طبیعی در نواحی روستایی شهرستان قرچک بررسی شود. این تحقیق که کاربردی و توصیفی-تحلیلی می‌باشد از روش کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای برای گردآوری اطلاعات و با استفاده از نرم افزار SPSS به تحلیل داده‌ها پرداخته شده است. نتایج نشان داد که اکثر افراد مخاطرات را تجربه کرده‌اند آگاهی از تعاریف و اقامات دارند در بخش تحلیلی نیز نتایج نشان داد آگاهی مدیران محلی منطقه مورد مطالعه از فرایند مدیریت بحران در سطح پایینی است. مدیران محلی منطقه مورد مطالعه نسبت به نقش خود در فرایند برنامه‌ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی آگاه می‌باشند. بین میزان آگاهی مدیران محلی از نقش خود در برنامه ریزی کاهش مخاطرات طبیعی و عملکرد آنان در این زمینه، رابطه معنی داری وجود دارد نوع نگرش و سطح دانش مدیران محلی در زمینه مدیریت بحران، بر عملکرد آنان در برنامه‌ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی تاثیرگذار است.

واژگان کلیدی: مدیریت، مدیریت بحران، مخاطرات، مدیریت روستایی، مدیریت محلی

مقدمه

نگاهی به تاریخ زندگی انسان در روی کره زمین نشان می‌دهد که بشر همواره در معرض انواع مخاطرات طبیعی بوده‌است. بخشی از این بحرانها را که به ویژگیهای زمین شناسی و تکتونیکی مناطق همچون زلزله‌ها، آتشفشانها و مانند آن مربوط می‌شود، بلایای زمین‌شناسی می‌نامند (جهانگیری، ۱۳۸۹). بخشی دیگر از مخاطرات طبیعی که ناشی از تغییرات و نوسانهای اقلیمی مانند وقوع خشکسالی، رخداد سیل، طوفانهای حاره‌ایی، رعد و برق، گرد و غبار، یخبندان و سرمازدگی، آلودگی هوا و مانند آن است به عنوان بلایای اکولوژیکی نامیده می‌شوند (امیدوار، ۱۳۹۰، ۱۵).

عمدتا کنترل وقوع بلایای طبیعی، به عنوان بخشی از واقعیت‌های گریزناپذیر، خارج از عهده بشر است. بر اساس آمار سازمان ملل متحد بلایای طبیعی هر ساله حدود ۱۰۰ هزار نفر از مردم را به کام مرگ فرستاده و حدود ۳۰۰ میلیارد دلار خسارات مالی بر جای می‌گذارد. البته در این تخمین خسارات غیرمستقیم و نتایج بلندمدت اقتصادی، اجتماعی و تاثیرات زیست محیطی در نظر گرفته نشده است. افزایش شدت و دفعات تکرار بلایای طبیعی در ۵۰ سال گذشته اکثر مردم را در معرض خطر قرار داده که بیشترین فشار آن بر دوش فقیرترین جوامع بوده است (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۶، ۹).

توجه به این نکته ضروری است که طی این سالها عواقب اجتماعی و اقتصادی بلایای طبیعی در کشورهای در حال توسعه شدیدتر و بیشتر بوده‌است. در این مناطق فقر و فشار جمعیت باعث افزایش جمعیت و تراکم آن در مناطق خطرخیز و در نتیجه افزایش آسیب پذیری و افزایش تلفات جانی و مالی در صورت بروز حوادث طبیعی می‌شود (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶). گرچه زیانبارترین بلایای طبیعی از نظر میزان خسارات اقتصادی در سالهای اخیر بیشتر کشورهای توسعه‌یافته و به علت تجمع داراییهای بسیار زیاد در معرض بلایای طبیعی رخ داده است، با این وجود خسارات ناشی از سوانح طبیعی بزرگ در کشورهای در حال توسعه و تاثیر آن بر عوامل اقتصادی همچون تولید ناخالص داخلی و درآمدهای دولت می‌تواند بسیار مخرب‌تر از کشورهای توسعه‌یافته باشد (بدری و همکاران، ۱۳۸۸). علاوه بر وقوع خطرات مسئله مورد توجه در زمینه بلایای طبیعی بحث آسیب پذیری جوامع است که عبارت است از «مقدار خطر در ترکیب با سطح توان اقتصادی، اجتماعی، محیطی که بتوان به واسطه آن با واقعه ناشی از خطر مقابله کرد» (اسمیت، ۱۳۸۲، ۳۹).

بلایای طبیعی اصولا به تغییراتی اطلاق می‌شود که در شرایط زیست محیطی رخ می‌دهد، به گونه‌ای که سبب گسسته شدن روند زندگی طبیعی مردم و قرار گرفتن آنها در معرض عناصر و عوامل خطرناک و تخریب برای محیط می‌شود (عصار، ۱۳۷۰، ۶۹). همچنین تاثیرات مخربی بر سکونتگاههای انسانی باقی می‌گذارد و خسارات اقتصادی، اجتماعی و محیطی گسترده‌ایی بر جوامع تحمیل می‌کند (افتخاری و همکاران، ۱۳۸۶، ۶۴). به بیانی دیگر بلایای طبیعی همواره به عنوان پدیده‌ای تکرار پذیر در طول حیات بشر وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت، وقوع حوادثی نظیر سیل، زلزله، توفان، در اغلب موارد تاثیرات مخربی بر سکونتگاههای انسانی گذارده و تلفات سنگینی بر آنان وارد ساخته است. می‌توان گفت علیرغم پیشرفتهای دانش بشری در بسیاری از زمینه‌ها، بلایای طبیعی کماکان به عنوان پدیده‌ای مهار نشدنی تلقی می‌شود (هجرتی، ۱۳۸۵، ۴). کشور ایران به واسطه موقعیت

جغرافیایی، شرایط اقلیمی، و وضعیت زمین شناختی از جمله کشورهای بلاخیز جهان محسوب می‌شود. همه ساله به واسطه وقوع سیل و سایر بلایا، خسارات و تلفات زیادی به کشور وارد می‌شود (حسینی و همکاران، ۱۳۸۷، ۳۰-۲۹). ایران به لحاظ وضعیت جغرافیایی، شرایط آب و هوایی و ویژگیهای ژئوپلیتیک در زمره کشورهای بلاخیز دنیا به شمار می‌آید و در طول تاریخ شاهد حوادث و سوانح بسیاری بوده است. قاره آسیا از نظر شیوع حوادث و بلایای طبیعی، رتبه اول را در دنیا دارد و ایران پس از هند، بنگلادش و چین چهارمین کشور آسیا و ششمین کشور دنیا از نظر کثرت وقوع بلایاست (جهانگیری، ۱۳۸۹، ۲۱).

در این میان نقاط روستایی، به دلیل روابط تنگاتنگ با محیط طبیعی و داشتن توانهای محدود، آسیب پذیری بیشتری نسبت به نقاط شهری دارند. خطر زلزله بسیاری از روستاها را تهدید می‌کند. در حدود ۵ هزار روستای واقع در حاشیه کویر، به دلیل گسترش بیابان، تهاجم ریگهای روان و خشکسالی، در معرض تهدید هستند. همچنین بالغ بر ۱۲ هزار روستای مستقر در جوار رودخانه‌ها نیز غالباً در معرض خطر سیل قرار دارند (ازکیا و همکاران، ۱۳۸۴، ۱۵-۱۶).

این مساله نشان می‌دهد که بلایای طبیعی به خودی خود نتایج نا مطلوبی در پی ندارند. آنچه این پدیده را به فاجعه تبدیل می‌کند، نحوه ساخت و سازهای انسان و مکان استقرار سکونتگاههای وی و به عبارتی عدم پیشگیری از تاثیر بلایای طبیعی و عدم آمادگی جهت مقابله با عواقب آن بوده است (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۶، ۹). بنابراین آنچه مهم و ضروری است اتخاذ تدابیر و راهبردهایی است که خسارتهای حاصله را تا اندازه‌ای کاهش دهد. برای مقابله با خطر و کاهش اثرات بلایای طبیعی لازم است مجموعه فعالیتهایی قبل، هنگام و بعد از وقوع حوادث طبیعی، جهت کاهش اثرات این حوادث و کاهش آسیب پذیری آنها انجام گیرد (وزین، ۱۳۸۶، ۲). به عبارتی دیگر از آنجایی که جلوگیری از بروز بلایای طبیعی (نظیر سیل، زلزله، طوفان، خشکسالی) به سبب طبیعت آنها امکانپذیر نمی‌باشد، تشکیل مدیریتی توانمند و اعمال روشهای صحیح و مناسب جهت کنترل وضعیت بحرانی، تا حد زیادی می‌تواند میزان خسارات را کاهش داده و شرایط بحرانی را در کوتاه‌ترین زمان به سوی شرایط عادی هدایت کند. مدیریت بحران به معنای سوق دادن هدفمند جریان امور به روالی قابل کنترل به قصد برگرداندن امور در اسرع وقت به شرایط قبل از بحران است. (هادی زاده بزاز، ۱۳۸۶، ۱۳). با توجه به پشت سر نهادن چهار دوره از زمان فعالیت شوراهای اسلامی روستایی و به دنبال آن دهیارها به عنوان بازوی اجرایی شوراها در کشور و ضرورت آگاهی از میزان نقش آفرینی آنها در برنامه ریزی کاهش مخاطرات طبیعی ارزیابی و تحلیل عملکرد این دو نهاد عمومی غیر دولتی راهی برای دستیابی به نقاط ضعف و قوت و نحوه عملکرد آنها در رابطه با ارائه الگویی جهت برنامه‌ریزی کاهش مخاطرات طبیعی (سیل، زلزله و خشکسالی و...) در روستاها خواهد بود (بهرام‌پور، ۱۳۸۸). به عبارت دیگر ضروری است نقش این نهاد عمومی غیردولتی در رابطه با ارائه الگویی جهت برنامه‌ریزی و کاهش مخاطرات طبیعی و مجموعه اقدامات آنها قبل، حین و بعد از وقوع حوادث طبیعی، با توجه به جنبه‌های مختلف مدیریت بلایای طبیعی شامل پیشگیری، آمادگی، مقابله، بازسازی و بازتوانی مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد تا زمینه مناسبی برای افزایش توانمندیها و رفع کاستی‌ها فراهم شود. بر این اساس سؤال این است که آیا اصولاً شوراهای اسلامی روستایی و دهیارها در برنامه‌ریزی کاهش مخاطرات طبیعی روستاها نقش دارند؟

همچنان که از وظایف مدیریت بحران مشخص است، در فرآیند مدیریت بلایای طبیعی، مجموعه فعالیتهای قبل از وقوع بلایا به دلیل خصلت پیشگیری و ایجاد آمادگی همیشگی در مقابله با خطرات از اولویت بالاتری برخوردار می‌باشد. اما مبحث اصلی مورد تاکید و توجه در این تحقیق، بررسی نقش مدیریت محلی (شوراهای اسلامی و دهیارها) شهرستان قرچک در ارائه الگویی برای برنامه‌ریزی کاهش مخاطرات طبیعی می‌باشد. به عبارت دیگر این تحقیق در پی آن است تا نقش مدیریت محلی را در کاهش مخاطرات طبیعی در نواحی روستایی را بررسی نموده و الگویی در این راستا ارائه نماید. شهرستان قرچک و روستاهای که در این منطقه قرار دارند که مورد بررسی قرار خواهند گرفت از نظر مخاطرات طبیعی نیز شرایط ویژه‌ای دارند در این منطقه دارای گسل‌های ورامین، گسل شهر ری، گسل کهریزک وجود دارد که این منطقه را با خطر زلزله تهدید می‌کند از طرف سابقه لغزش و رانش زمین، خشکسالی، سیل و سرمازدگی نیز در این منطقه دیده شده است که اهمیت توجه به بحث مدیریت بحران را بیش از پیش در روستاهای این منطقه آشکار می‌کند.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

به طور کلی یکی از راههای دستیابی و شناخت نحوه بررسی مسئله‌های تحقیقی، مراجعه به تحقیقات همسو و مشترک در موضوع تحقیق و آگاهی از کارهای تحقیقاتی است که توسط دیگر محققان و اندیشمندان به انجام رسیده‌است. به عبارتی دیگر شناخت فضای پژوهشی و موضوع بررسی در قالب پیشینه تحقیق، کمک بسزایی به محقق می‌نماید. به طور کلی اغلب تحقیقات در ادامه بررسیهای پیشین به انجام می‌رسد و اصولاً تحقیقات جدید از نظر زمانی تکمیل کننده نارساییهای پژوهشهای پیشین قلمداد می‌شود به شرطی که بتواند نواقص را پس از تجزیه و تحلیل رفع و در جهت ارائه نظریه‌های جدید و نو باشد.

به منظور مطالعه علمی و دقیق تر موضوع مورد مطالعه، بررسی و تحلیل تحقیقات سازمانها، محققان و اندیشمندان صاحب نظر، نه تنها به غنی سازی و مستندسازی پژوهش می‌افزاید، بلکه تا حد زیادی از حجم فعالیت اضافی کم نموده و فرصت بیشتری را جهت بررسی و تداوم تحقیقات پیشینان فرا روی محققین می‌گذارد. مروری بر ادبیات مربوط به موضوع مطالعاتی نشان می‌دهد که توجه به پدیده‌های سیل و زلزله به عنوان یک چالش جهانی در بین مخاطرات طبیعی، همواره از حساسیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. مواردی از جمله مقالات فارسی و انگلیسی به شرح ذیل می‌باشد:

محمد خانی و سلیمانان (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان ((نقش برنامه ریزی روستایی و مدیریت بحران در کاهش مخاطرات طبیعی)) که به ضعف در برنامه ریزی و اجرای طرحهای مختلف روستایی و خسارات جبران ناپذیری را که بر اثر مخاطرات طبیعی در روستاها اشاره نموده و راه حل این گونه موضوعات را برنامه ریزی و همکاری و مشارکت مردم را خواستار می‌باشد.

- میر لطفی و محمد زایی راد (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان ((بررسی نقش مدیریت بحران در توسعه پایدار روستایی منطقه سیستان)) به نقش حوادث و مخاطرات طبیعی و محیطی عموماً جان انسانها و محیط زیست را تهدید می‌کند پرداخته و شناسایی خطرات ناشی از مخاطرات طبیعی را به عنوان مرحله مناسب برای مقابله با بحران و بازگرداندن منطقه بحران زده به حالت اولیه هدف مطالعه و تحقیق مدنظر می‌باشد.

- فاتحی و صالح در تحقیقی با موضوع ((ارائه الگوی جدید برای جلب مشارکت مردمی در بازسازی روستاها به منظور کاهش آسیب پذیری در مقابل زلزله)) سال انتشار ۱۳۹۳ در دومین کنگره بین المللی سازه، معماری و توسعه در امر بازسازی روستاها و کاهش آسیب پذیری در برابر مخاطرات طبیعی همچون زلزله.
- کتاب آشنایی با مدیریت بحران با تاکید بر نقاط روستایی (۱۳۸۵) که در این کتاب از سری متون های انتشار یافته در خصوص ضرورت آموزش و آشنایی دهیاران در راستای مدیریت بحران و مقابله با بلایای طبیعی مطالب ارزنده ای ارائه شده است.

جدول ۲: پیشینه تحقیق به زبان انگلیسی

محقق	عنوان پژوهش	محتوا و نتایج پژوهش
Rohit Jigyasu & Jo hn Thomas Cooper (2004)	بازسازی پایدار بعد از مخاطرات از طریق مدیریت ریسک یکپارچه: نمونه اجتماعات روستاهای جنوب آسیا	محققان بر بازتعریف مخاطرات و مدیریت مخاطرات و بر فرآیند کاهش آسیب پذیری به عنوان کلید اساسی در مدیریت ریسک تاکید دارند. و از رفع چالشهای همچون کمبود مواد و منابع زمین، مهارت و توانایی کم، آموزش و دانش پائین، آگاهی اندک و عدم تعادل اجتماعی - اقتصادی به عنوان مؤلفه های اساسی در کاهش آسیب پذیری یاد می کنند.
NICHOLA SF. COLMEN ARES (1997)	کاهش ریسک در فلوریدا: سنجش خطرات در راستای توسعه پایدار منطقه	ایشان ضمن بررسی تأثیر جنبش توسعه پایدار بر جامعه کاهش خطر ساوث فلوریدا، مدیریت ریسک مخاطرات را در چارچوب توسعه پایدار بخاطر توجه هم زمان به تمامی مؤلفه های مبنایی هم چون نهادگرایی و افزایش تعامل نهادی، ظرفیت محیطی، دانش و مشارکت پیشنهاد می نماید.
CALIFORNIA Seismic Safety Commission (1999,40-48)	مدیریت ریسک زلزله : داستانهای موفق کاهش	این پروژه ۵ مورد از برنامه های مدیریت ریسک زلزله را در کالیفرنیا مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان داده که اهالی کالیفرنیا تلاشهای گسترده ای را برای ایمن بودن در برابر حوادث، مخصوصاً مخاطرات پیش رو انجام داده و به این نتیجه رسیده اند که کاهش پیامد زلزله، نیازمند توجه به تمامی مؤلفه های مدیریت ریسک (آگاهی مکان - زمانی، دانش، بستر کالبدی، نهادسازی فرهنگ عملیاتی دارد.
John Ash (2002)	اجرای یک برنامه کاهش مخاطرات طبیعی	پژوهش عمدتاً در پی شناسایی عواملی بوده است که بایستی در طول اجرای یک استراتژی کاهش بلایای طبیعی در شهر اتاوا مورد توجه قرار گیرد. یافته های پژوهش نشان داده است که افراد جامعه مورد مطالعه، عموماً درک پایینی از کاهش بلایای طبیعی داشته است. بنابراین، افزایش آگاهی و آموزش کاهش خطرات اجرای موفقیت آمیز استراتژی کاهش سوانح طبیعی را تقویت می کند.
Jennifer S. Porter-Gibson (2000)	ارزیابی آسیب پذیری اجتماعات روستایی ناشی از سیل در منطقه هوزو، چین	نتایج این تحقیق مبین این واقعیت است که مناطق روستایی و کشاورزان همچون گذشته هنوز هم آسیب پذیرترین قشر در منطقه هوزو محسوب می شوند. و توسعه صنعتی را به عنوان عامل مهمی در کاهش میزان آسیب پذیری در بعضی از بخشها و در عین حال افزایش آن برای بخش های دیگر قلمداد نموده است.
Amy Newborn (2006)	مکانی برای مرحله بلایا در لس آنجلس	بر اساس این تحقیق، لس آنجلس یکی از مناطق پر مخاطره در برابر مخاطرات طبیعی شناخته شده توسط بشر، از زمین لرزه ها گرفته تا تنیدهای دریایی، خشکسالی، آتشفشان های مهیب و گردبادها می باشد. در این پژوهش به منظور کاهش آسیب پذیری در برابر مخاطرات طبیعی بر احداث ساختمانهایی با کارکردهای ایجاد آمادگی برای مقابله با بلایا، اطلاع رسانی عمومی مانند سناریوهای بلایا و اقدامات عملی مورد نیاز تاکید شده است.
William Keith Guthrie (2006)	مقابله با مخاطرات طبیعی: درک و واکنش های اجتماعی ساکنان	این پژوهش به بررسی نقش تصورات مردم از بلایای طبیعی پرداخته است. نهایتاً تصورات و دانش محلی را یکی از عوامل مؤثر در واکنش های مردم در برابر مخاطرات طبیعی می داند.
تقی خانی (۱۳۸۵)	تبیین نقش آموزش و مشارکت در کاهش ریسک زلزله ۱۳۸۵	ایشان در تحقیق خود، انواع و ابعاد روشهای آموزش و مشارکت را در مدیریت ریسک مخاطرات، به ویژه بحران زلزله بررسی نموده و به آموزش و مشارکت همگانی به عنوان اهرمهای اساسی در فرآیند مدیریت ریسک تاکید دارد.
نرگس وزین (۱۳۸۶)	نقش دانش بومی و نوین در کاهش آسیب های محیطی در روستاها (مطالعه موردی، بخش خورش رستم)	وزین در رساله خود بر اثر بخشی دانش بومی و نوین در کاهش آسیب پذیری بلایای طبیعی تاکید دارد. همچنین یافته های وی نشان می دهد که دانش بومی سهم بیشتری نسبت به دانش رسمی در کاهش آسیب پذیری برخی از بلایای طبیعی همچون زلزله، سیل، سرما و یخبندان، خشکسالی و توفان در نواحی روستایی داشته است.
محمود قدری (۱۳۸۷)	رابطه ساخت اجتماعی شهرها و آسیب پذیری در برابر زلزله (نمونه موردی، کلان شهر تهران)	نگارنده ضمن بررسی دیدگاه های مختلف آسیب پذیری، بعد اجتماعی آسیب پذیری را بیشتر مورد بررسی قرار داده است. نتایج مطالعات ایشان نشان می دهد که خانوارهای با جایگاه اجتماعی و اقتصادی (سواد و آموزش پائین، میزان درآمد کم) از میزان آسیب پذیری بیشتری نسبت به طبقات با وضع اقتصادی و اجتماعی مناسب برخوردارند.

طی دو دهه اخیر مدیریت مخاطرات در اولویت اصلی فعالیت‌های جوامع جهانی قرار گرفته است. سازمان ملل متحد دهه پایانی قرن بیستم (۲۰۰۰-۱۹۹۰) را دهه بین‌المللی کاهش اثرات مخاطرات طبیعی نامگذاری کرده و کارشناسان این سازمان جهت تبادل تجربه میان ملت‌ها و مراکز تحقیقاتی تلاش‌های زیادی انجام داده‌اند. سند انتشار یافته از سوی سازمان ملل متحد در کنفرانس هیوگو ۲۰۰۵، اهداف و برنامه‌های استراتژیک زیر را مطابق جدول زیر به منظور مقابله با شکاف‌ها و چالش‌های موجود در زمینه کاهش اثرات مخاطرات طبیعی معرفی کرده است.

جدول ۱ اهداف و استراتژی‌های پیشنهادی مناسب سازمان ملل برای مدیریت ریسک مخاطرات

اهداف	راهبردها
<ul style="list-style-type: none"> • گنجانیدن برنامه کاهش ریسک مخاطرات در ساختار قانون گذاری و سیاست گذاری ملل. • شناسایی خطرات، ارزیابی، پایش و اعلام خطر و هشدار زود هنگام. • کاهش عوامل اصلی خطر. • مدیریت دانش، آموزش و مهارت جهت ایجاد فرهنگ ایمنی و کاهش ریسک. • آمادگی جهت واکنش موثر و بازسازی. 	<ul style="list-style-type: none"> • یکپارچه سازی کارآمدتر اقدامات کاهش دهنده اثرات بلایا با سیاستهای مربوط به توسعه پایدار در برنامه‌ها. • تقویت نظام مند و سازماندهی شده ساختارها، ساز و کارها و ظرفیتهای مرتبط با شناسایی، ترمیم و جبران خسارات ناشی از مخاطرات. • گنجانیدن برنامه‌های آموزشی جهت افزایش دانش، مهارتها در شبکه‌های سیما، رسانه‌ها، مدارس. • اجرای نظام‌مند برنامه‌های آماده باش و اضطراری، واکنش و ترمیم خسارات در جوامع در معرض ریسک.

منبع: پریشان، ۱۳۹۰، ۱۹

همچنین سند کنفرانس با رویکردی مبتنی بر گوناگونی جنسیت، فرهنگ، و سن به ویژه در گروه‌ها و افراد با قابلیت ریسک پذیری بیشتر (جوامع روستایی و فقیر)، تفویض اختیارات به مقامات محلی و ارتقاء همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و رشد و ارتقاء فرهنگ پیشگیری را به عنوان عناصر بنیادی در مدیریت ریسک مخاطرات پیشنهاد می‌کند. در مجموع می‌توان گفت که، محور اصلی تمامی کوشش‌های مجامع جهانی، ازایه چارچوبهایی مبتنی بر الزامات راهبردی کاهش اثرات بلایای طبیعی در طرح‌های توسعه ملی و منطقه‌ای است. نهایتاً بر اساس تجارب و اجرای مطالعات موردی، اولویتهایی جهت تدوین خطوط راهنمای کلی که بتواند به وسیله دولتها، سازمانهای بین‌المللی (عمدتاً غیردولتی) جهت کمک به اجتناب و کاهش پیامدها و آسیب‌های تکنولوژیکی و محیطی در سکونتگاهها به ویژه مناطق آسیب‌پذیر روستایی مورد استفاده قرار گیرد، مشخص شده است (فیگ ۱، ۲۰۰۶).

در مجموع راهبرد کاهش ریسک مخاطرات طبیعی زمانی می‌تواند موفق باشد که برنامه‌های موفق و کارآمدی را برای مراحل مختلف مدیریت ریسک مخاطرات طبیعی (قبل، حین، بعد) ارائه نماید. در این راستا توجه به عواملی هم چون داشتن رویکرد بین رشته‌ای، کاربرد مهندسی عمران و راه‌حلهای معماری مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی و بسترهای سیاسی - اجتماعی، محیط توانمند و سازماندهی شده، حکمروایی خوب و تدوین یک برنامه مدون برای تقویت آموزش عمومی جهت توانا ساختن مردم در مورد انتخاب ساختارهای متناسب با محیط ضروری است (غفوری و آشتیانی، ۲۰۰۵).

بحران

عبارت است از وقفه کامل و یا بخشی از فعالیت گروه یا جامعه که همراه با ضایعات جانی، خسارات مادی و آسیب‌های محیطی گسترش یافته و جامعه مربوطه با منابعی که در اختیار دارد قادر به جبران آن نمی‌باشد. بحرانها از

¹ FIG

² Ghafory and Ashtyani

نظر سرعت وقوع به دو دسته ناگهانی و تدریجی و از نظر عامل نیز به دو دسته طبیعی و دست ساز بشر تقسیم می‌شوند (UNDP, ۲۰۰۲, ۳۴).

بحرانهای طبیعی ناشی از پدیده‌های آب و هوایی، زمین‌شناختی (زمین‌شناختی فیزیکی) و آب‌شناختی بوده در حالی که بحرانهای دست ساز بشر ناشی از اقدامات انسان در زمینه‌های صنعتی، بهره‌برداری از منابع طبیعی، مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک می‌باشند (بیرودیان، ۱۳۸۵، ۱۸).

مدیریت بحران ۱:

مدیریت بحران عبارت است از ایجاد آمادگی و فراهم کردن تمهیدات و تدارکات لازم برای رویارویی با بحران و به حداقل رساندن آثار تخریبی آن (آهنچی، ۱۳۷۶، ۸). مراحل مدیریت بحران عبارت است از پیشگیری؛ آمادگی؛ مقابله؛ بازسازی. مدیریت بحران در برگیرنده زنجیره‌ای از عملیات و اقدامات پیوسته و پویایی است که تمامی جنبه‌های برنامه ریزی برای بحران و مرتبط با بحران مشتمل بر فعالیت‌های قبل، حین، و بعد از بحران را دربر می‌گیرد (بدری، ۱۳۸۴، ۵).

مدیریت ۲

مدیریت عبارت است از علم و هنر فرآیند استفاده کارآمد و مؤثر منابع انسانی و مادی، از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل در یک محیط پویا در جهت تحقق اهداف سازمانی (احمدی، ۱۳۸۲، ۱۶).

مدیریت روستایی ۳:

مدیریت روستایی عبارت از برنامه‌ریزی برای روستا، سازماندهی اقدامات توسعه‌ای و هماهنگی و نظارت بر اقدامات انجام شده می‌باشد. به طوری که فرآیند توسعه پایدار روستایی را به نحوی تقویت کند که در سطح متعارف جامعه، زمینه و محیط مناسبی را برای زندگی راحت تر و کارآمدتر روستاییان به تناسب ویژگی‌های طبیعی، انسانی، اجتماعی و اقتصادی فراهم شود (دربان آستانه، ۱۳۸۴، ۱۵).

مدیریت محلی ۴:

مدیریت محلی، بر ظرفیتهای جوامع محلی، با اداره دقیق مکان و بهره‌برداری از منابع آن متکی است. منظور از مدیریت محلی در این تحقیق تشکیلاتی است که به دنبال تصویب «قانون تشکیلات وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران» در سال ۱۳۷۵ و نیز «قانون تاسیس دهیارهای خودکفا در روستاهای کشور» در سال ۱۳۷۷ در عرصه مدیریت روستایی کشور به وجود آمده است. طبق قانون، شورا به عنوان نهاد تصمیم‌گیر، برنامه‌ریز و سیاستگذار و دهیاری به عنوان بازوی اجرایی شورا و مسئول اجرای امور روستا شناخته شده است (بدری و موسوی، ۱۳۸۸، ۱۴). تاسیس این دو نهاد عمومی غیردولتی نشانه‌ای از حرکت به سوی اجرای «محلی کردن نظام

¹ -Crisis Management

² -Management

³ -Rural Management

⁴ -Local Management

مدیریت در روستاها» است که می‌تواند منشاء تحول در فرآیند توسعه مدیریت روستایی باشد. (کتاب آشنایی با مدیریت بحران، ۱۳۸۵)

روش‌شناسی تحقیق

تحقیقات علمی بر اساس ماهیت و روش، به ۵ گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از: تحقیقات تاریخی، توصیفی، همبستگی، تجربی و علی. از آنجا که تحقیق موردی زیرمجموعه تحقیقات توصیفی است (حافظ نیا، ۱۳۸۵، ۵۳). روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است زیرا در این روش وضع موجود بررسی و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن پرداخته می‌شود. همچنین پیش‌بینی آینده عملکرد بر پایه وضع موجود مستلزم تحقیقات توصیفی است تا بتوان بر اساس آنها برنامه ریزی کرد.

این تحقیق از نوع کاربردی است زیرا که امکان استفاده از نتایج تحقیق در تصمیم‌گیریها و سیاستگذاریها در حوزه مدیریت ریسک و بحران در کاهش آسیب‌پذیری و برنامه ریزی کاهش مخاطرات طبیعی در جوامع روستایی را می‌توان انتظار داشت. در تحقیق حاضر با استفاده از روشهای توصیفی و با مطالعه اسنادی و تحقیقات میدانی یافته‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS به استخراج و تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام شد. پس از بررسی آمار توصیفی، فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار گرفت.

در این پژوهش برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. بدین صورت که برای جمع‌آوری اطلاعات در مورد پیشینه، ادبیات موضوع و مبانی نظری تحقیق از مطالعه کتابخانه‌ای و از شبکه‌های اینترنتی مرتبط با برنامه ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی استفاده شد. گردآوری اطلاعات میدانی در منطقه مورد مطالعه نیز برای پاسخ به سوالات تحقیق و آزمون فرضیات تحقیق، با استفاده از پرسشنامه و مشاهده مستقیم انجام شده است. بررسی اسناد و مدارک و مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و آمار سرشماری‌های کشور نیز بخش دیگری از روش تحقیق می‌باشد. جامعه نمونه در این تحقیق دهیاران، شوراهای اسلامی روستایی و کارکنان دهیارهای شهرستان قرچک می‌باشد.

پس از طراحی سوالات پرسشنامه بر اساس اهداف تحقیق و موضوع مورد مطالعه و به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق، هر یک از سوالات پرسشنامه‌های تکمیل شده کدگذاری شد. در مرحله بعد کدهای مورد نظر سوالات وارد نرم‌افزار SPSS گردید. در مرحله آخر از طریق نرم‌افزار مذکور اقدام به استخراج اطلاعات مورد نظر شد.

بخش دیگری از کار استخراج نتایج و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده از نرم‌افزار SPSS بود که از آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون دو جمله‌ای استفاده شد.

منطقه مورد مطالعه

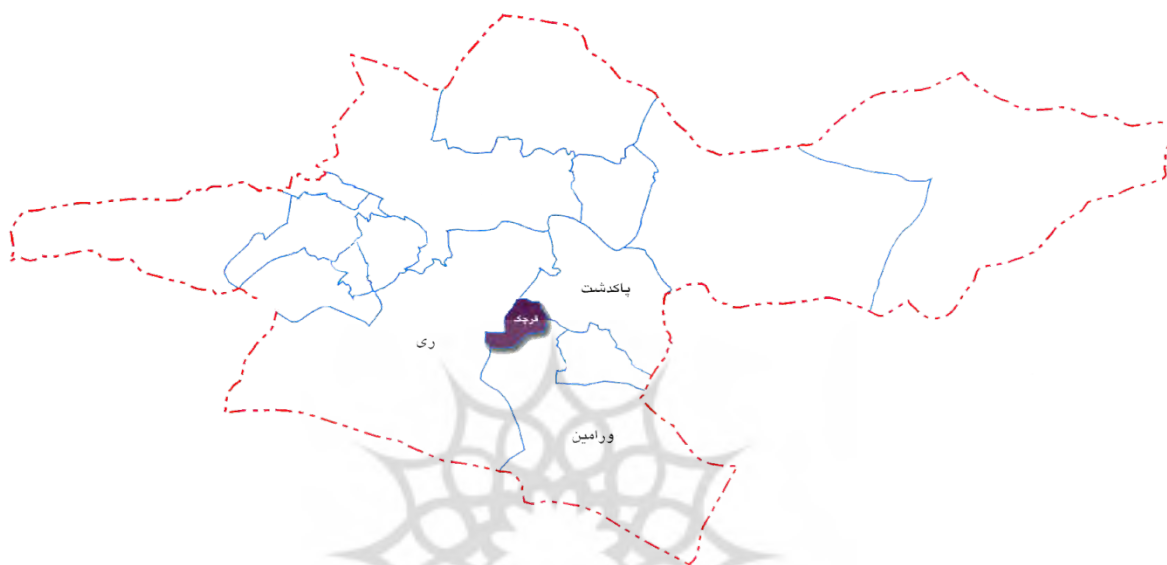
شهرستان قرچک در ۲۰ کیلومتری جنوب شرق تهران واقع گردیده است این شهرستان از سمت شمال شرق به شهرستان پاکدشت، از شرق، جنوب شرق و جنوب به شهرستان ورامین، از جنوب غربی، غرب و شمال غربی نیز به شهرستان ری محدود می‌باشد. (رضوی، صادقی و وحیدی، ۱۳۹۵، ۲۴).

شاخص های جغرافیایی

وسعت شهرستان: ۹۰ کیلومتر مربع تعداد بخش: ۱ (بخش مرکزی) تعداد شهر: ۱ (قرچک)

تعداد دهستان: ۲ (ولی آباد - قشلاق چیتو) تعداد آبادی: ۱۱ (۸ آبادی دارای دهیاری و ۳ آبادی فاقد

ارتفاع از سطح دریا: تقریباً ۱۰۰۰ متر شهرستان های مجاور: ورامین - ری - باکدشت



نقشه شماره ۱: شهرستان قرچک و شهرستان های مجاور آن
منبع: سایت شهرداری قرچک



نقشه شماره ۲: شهرستان قرچک
منبع: سایت فرمانداری قرچک

گستره این شهرستان از طول شرقی ۵۱ دقیقه و ۲۹ ثانیه تا ۵۱ دقیقه و ۳۸ ثانیه و عرض شمالی ۳۵ دقیقه و ۲۱ ثانیه تا ۳۵ دقیقه و ۲۷ ثانیه بوده و ارتفاع آن از سطح دریا ۱ حدود ۹۴۵ متر می باشد. (سالنامه آماری استان تهران سال ۱۳۹۵)

قرچک دارای آب و هوای خشک و نیمه بیابانی با تابستان های گرم و زمستان هایی نسبتاً سرد بوده و بارندگی کم، گرمای زیاد و دوره خشکی طولانی از ویژگی های این منطقه می باشد بطوریکه دمای هوای شهرستان در طول سال

به صورت میانگین داری تغییراتی از ۷- درجه تا ۴۳ درجه سانتیگراد بوده و وضعیت نزولات جوی در این شهرستان سالیانه ۱۶۰ میلیمتر و حداکثر سرعت بادهای موسمی ۱ در آن به طور متوسط به ۱۵ کیلومتر می‌رسد. شرایط اقلیمی ۲ در این منطقه بدین صورت است که در ماه‌های آذر، دی، بهمن و اسفند دارای شرایط مرطوب، در ماه‌های فروردین و اردیبهشت حالت نیمه خشک و شش ماه بقیه سال شرایط اقلیمی خشک حاکم می‌باشد. آسمان صاف قرچک باعث گردیده، این منطقه ساعات زیادی از روزهای سال شاهد تابش آفتاب باشد. بطوریکه در مردادماه بطور متوسط بیش از ۳۶۵ ساعت آفتابی برای منطقه ثبت گردیده است. (سالنامه آماری استان تهران سال ۱۳۹۵)

قرار گرفتن این شهرستان بر روی مرز دو گسل پارچین و کهریزک با وجود عدم فعالیت چندان این گسل ۳ها نیز از دیگر ویژگی‌های شهرستان می‌باشد. این شهرستان ۱۱ آبادی، (۸ آبادی دارای سکنه) صالح آباد، قشلاق جیتو، ولی آباد، محمدآباد، داود آباد، قشلاق اول، قشلاق دوم، امین آباد، (سه آبادی خالی از سکنه) محمودآباد، رستم آباد و رضی آباد دارد. که در این تحقیق به ۸ آبادی با سکنه پرداخته خواهد شد. (همان منبع)

از لحاظ تقسیمات کشوری شهرستان قرچک داری یک شهر (قرچک)، یک بخش (مرکزی)، دو دهستان (ولی آباد و قشلاق جیتو)، ۱۱ آبادی؛ ۸ آبادی دارای جمعیت بالا (محمدآباد، امین آباد، ولی آباد، قشلاق اول، قشلاق دوم، داودآباد، صالح آباد و قشلاق جیتو)، و سه آبادی کم جمعیت و فاقد دهیاری (رستم آباد، رضی آباد و محمودآباد) می‌باشد. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵، ۵۸)



نقشه شماره ۳: شهرستان قرچک با تفکیک شهر و دهستان و آبادیها

- 1 -Monsoon
- 2 -The climate
- 3 -Faults

جدول شماره ۳: جمعیت آبادی های شهرستان قرچک و سهم آنها از جمعیت روستایی استان

ردیف	نام آبادی	جمعیت ۱	جمعیت روستایی استان	سهم از جمعیت روستایی استان	سهم از تعداد آبادی های استان
۱	صالح آباد	۳۸۳۳	۸۷۷۴۳۷	٪ ۰/۴۴	
۲	قشلاق جیتو	۶۸۹۳		٪ ۰/۷۹	
۳	داودآباد	۷۳۲۳		٪ ۰/۸۳	
۴	رستم آباد	۱۱		٪ ۰/۰۰۱	
۵	رضی آباد	۱۷		٪ ۰/۰۰۲	
۶	محمودآبادطباطبائی	۴		٪ ۰	٪ ۱/۱
۷	قشلاق مشهدی محمد	۷۱۰۸		٪ ۰/۸۱	
۸	قشلاق مشهدی ابوالحسن	۳۲۶۲		٪ ۰/۳۷	
۹	امین آباد	۱۰۸۶		٪ ۰/۱۲	
۱۰	ولی آباد	۳۸۵۴		٪ ۰/۴۳	
۱۱	محمدآباداعلا	۵۲۸۳		٪ ۰/۶	
	مجموع	۳۸۶۷۴	-	٪ ۴/۴۰	-

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۴: جمعیت شهرستان قرچک به تفکیک گروه‌های سنی و مقایسه آن با استان تهران

مشخصات	۰-۴ ساله	۵-۱۴ ساله	۱۵-۳۰ ساله	۳۱-۶۴ ساله	۶۴ سال و بیشتر
استان تهران	۸۱۳۰۸۱	۹۳۵۱۸۳	۳۲۶۵۲۷۳	۶۳۶۳۳۷۸	۷۸۷۷۰۵
درصد	٪ ۶/۶۸	٪ ۷/۶۹	٪ ۲۶/۸۴	٪ ۵۲/۳۱	٪ ۶/۴۸
شهرستان قرچک	۲۱۷۴۷	۳۷۶۱۵	۹۸۴۲۷	۶۴۲۸۶	۸۱۷۸
درصد	٪ ۹/۴۴	٪ ۱۶/۳۴	٪ ۴۲/۷۵	٪ ۲۷/۹۲	٪ ۳/۵۵

جدول شماره ۱۵: مساحت، جمعیت و تراکم شهرستان‌های استان تهران به ترتیب تراکم جمعیتی

رتبه	نام شهرستان	جمعیت ۱۳۹۰	مساحت (کیلومتر مربع)	تراکم جمعیتی ۲	سهم از استان
۱	بهارستان	۵۲۳۶۱۹	۶۴	۸۱۸۲	٪ ۴/۳۰
۲	تهران	۸۱۸۹۷۹۱	۱۳۰۱	۶۲۹۵	٪ ۶۷/۲۲
۳	قدس	۲۹۰۶۶۳	۸۲	۳۵۴۵	٪ ۲/۳۹
۴	قرچک	۲۳۰۳۶۲	۹۰	۲۵۵۸	٪ ۱/۸۹
۵	اسلامشهر	۴۸۵۶۸۸	۱۹۱	۲۵۴۳	٪ ۳/۹۹
۶	شهریار	۶۲۴۴۴۰	۳۳۶	۱۸۵۸	٪ ۵/۱۳
۷	رباط کریم	۱۹۵۹۱۷	۲۹۳	۶۶۹	٪ ۱/۶۱
۸	پاکدشت	۲۹۲۰۱۹	۶۷۵	۴۳۳	٪ ۲/۴۰
۹	ملارد	۳۷۳۳۸۳	۹۳۰	۴۰۱	٪ ۳/۰۶
۱۰	پیشوا	۷۵۴۵۴	۲۰۱	۳۷۵	٪ ۰/۶۲
۱۱	پردیس	۱۰۳۳۴۲	۲۷۶	۳۷۴	٪ ۰/۸۵
۱۲	ورامین	۲۹۶۰۱۸	۱۵۴۱	۱۹۲	٪ ۲/۴۳
۱۳	ری	۳۱۹۳۰۵	۲۲۰۴	۱۴۵	٪ ۲/۶۲
۱۴	دماوند	۱۰۰۶۸۹	۱۹۰۵	۵۳	٪ ۰/۸۳
۱۵	شمیرانات	۴۴۰۶۱	۱۱۹۸	۳۷	٪ ۰/۳۶
۱۶	فیروزکوه	۳۸۷۱۲	۲۳۸۳	۱۶	٪ ۰/۳۲
	کل استان	۱۲۱۸۳۳۶۳	۱۳۶۷۰	۸۹۱	٪ ۱۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

۱- بر اساس آمار بدست آمده از سرشماری عمومی نفوس مسکن سال ۱۳۹۵ - مرکز آمار ایران

۲- شاخص تراکم عبارت است از نسبت جمعیت بر کیلومتر مربع

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

بلایای طبیعی و نحوه مقابله با آن

بر طبق پاسخ‌های ارائه شده، ۷۰٫۵ درصد روستاها تاحدودی در معرض سیل قرار دارند. این در حالی است که بیشترین پاسخها در مورد زلزله معادل ۵۵٫۱ درصد می‌باشد. یعنی بیشتر روستاها چندان در معرض زلزله قرار ندارند. این موضوع در مورد خطر بحران آب نیز در سطح متوسط (۵۹٫۲ درصد) است. یعنی بیشتر روستاها تاحدودی در معرض خشکسالی و بحران آب قرار دارند.

در مورد شرکت افراد در دوره‌های آموزشی مربوط به مدیریت بحران و مدیریت بلایای طبیعی، همان طور که از جدول (۴-۳) مشخص است، بیشتر پاسخگویان (۹۵٫۵ درصد) اعلام کرده‌اند که در دوره‌های آموزشی مربوط شرکت داشته‌اند.

در مورد این که طی کردن دوره‌های آموزشی تا چه حدی در ارتقای آگاهی و شناخت از بلایای طبیعی موثر بوده است، بیشتر پاسخگویان (۵۹٫۱ درصد) شرکت در این دوره‌ها را در افزایش میزان آگاهی و شناخت خود از بلایای طبیعی موثر می‌دانند.

شناخت بیشتر پاسخگویان از ریسک‌ها و آسیبهای ناشی از مخاطرات زیاد (۴۷٫۷ درصد) و متوسط (۲۷٫۳ درصد) می‌باشد. این در حالی است که بسیاری از پاسخگویان از علل طبیعی وقوع مخاطرات طبیعی تا حدودی (۶۳٫۶ درصد) اطلاع دارند و نسبت به خسارات و پیامدهای حاصل از وقوع بلایای طبیعی نظیر زلزله و سیل تا حدودی (۵۰ درصد) آشنایی دارند. در عین حال بیشتر پاسخگویان معتقدند شناخت از علل وقوع بلایای طبیعی تا حد زیادی (۵۲٫۳ درصد) باعث اصلاح شیوه‌های مدیریتی‌شان می‌شود.

پیشگیری

در زمینه تجربه مخاطرات طبیعی، همان‌طور که از مشخص است، پاسخگویان بیشترین تجربه در روستای خودشان را زلزله (۵۲٫۳ درصد) می‌دانند. همچنین از نظر بیشتر پاسخگویان طی سه سال گذشته یک بار (۴۰٫۹ درصد) بلایای طبیعی در روستای شان رخ داده است. در زمینه عملیات جلوگیری از وقوع سیل، همان‌طور که از نتایج مشخص است در بین اقدامات معمول برای پیشگیری و کاهش خطر سیل به ترتیب گابیون بندی، دیوار کشی، سنگ چین کردن، آموزش به مردم و اطلاع رسانی به موقع بر اساس میانگین رتبه‌ای، پنج اولویت اول می‌باشند. همچنین در زمینه انجام این اقدامات در روستاهای مورد مطالعه، بیشتر اقدامات معمول برای پیشگیری و کاهش خطر سیل پاسخگویان، در حال انجام و یا در حال برنامه‌ریزی است و میزان کارهای انجام شده نسبت به آنها کمتر است. بیشترین درصد اقدام انجام شده جلوگیری از ساخت و ساز در حریم رودخانه (۲۲٫۷ درصد) و سپس کنترل کاربری زمین و آموزش مردم (هرکدام با ۲۰٫۵ درصد) می‌باشد. در بین اقدامات معمول برای کاهش آثار مخرب زلزله نیز همان طور که از جدول مشخص است، از نظر پاسخگویان به ترتیب توزیع کتابچه‌های آموزشی برای آشنایی مردم، تهیه وتدارکات تجهیزات ایمنی و بیمه کردن خانه‌های مسکونی با میانگین رتبه‌ای ۶٫۲، ۵٫۷ و ۵٫۱ جزو سه اولویت

اول می‌باشند. از بین اقدامات معمول برای کاهش آثار مخرب زلزله که توسط پاسخگویان انجام شده، نظارت دقیق بر ساخت و سازهای مسکن مقاوم و رعایت اصول ایمنی و آیین‌نامه‌های مربوطه در ساخت و سازهای روستایی به ترتیب با ۸۴,۱ و ۸۱,۸ درصد بیشترین بخش اقدامات انجام شده هستند. همچنین بیمه کردن خانه‌های مسکونی، تهیه و تدارک تجهیزات ایمنی و اطلاع‌رسانی به موقع به ترتیب بیشترین بخش اقدامات در حال انجام هستند. آموزش به مردم نیز بیشترین بخش اقدامات در حال برنامه‌ریزی است. با توجه به پاسخ‌های داده شده، انجام برنامه-ریزی مشخص در خصوص پیشگیری از مخاطرات طبیعی در روستای محل خدمت پاسخگویان تا حدودی (۶۳,۶ درصد) انجام شده است. میزان آگاهی بیشتر پاسخگویان از اقدامات لازم به منظور پیشگیری از مخاطرات طبیعی "تا حدودی" است. بیشتر پاسخگویان، فعالیت مدیریت محلی را در مرحله پیشگیری به ترتیب زیاد (۸۴,۱ درصد) و متوسط (۴۷,۷ درصد) می‌دانند. در عین حال به ضرورت هماهنگی و تعامل کارکنان، دهیار و شورای اسلامی روستا در مرحله پیشگیری از بلایای طبیعی در سطح زیاد (۵۹,۱ درصد) اعتقاد دارند.

آمادگی هنگام وقوع بلایای طبیعی

در زمینه برگزاری مانور آمادگی بلایای طبیعی در روستای محل خدمت پاسخگویان همان طور که از نتایج مشخص است، در بیشتر این روستاها (۶۱,۴ درصد) مانور برگزار شده است.

در مورد زمان آمادگی برای مقابله با بلایای طبیعی بیشتر پاسخگویان معتقدند همیشه و همه وقت (۷۷,۳ درصد) باید برای مقابله با بلایای طبیعی آمادگی داشت

با توجه به نتایج به دست آمده بیشتر پاسخگویان با این عبارت که کمک به دیگران در فرایند مخاطراتی نظیر زلزله و سیل یک وظیفه انسانی است کاملاً موافق هستند (۵۴,۵ درصد). و با این عبارت که در مخاطراتی نظیر زلزله و سیل ممکن است هنگام کمک و مساعدت به دیگران با خطرات فراوانی مواجهه شویم نظر موافق دارند (۷۲,۷ درصد). با این عبارت که مساعدت روستاییان در هنگام وقوع فرایند مخاطراتی نظیر زلزله و سیل نیاز به ابزارهایی دارد که در حال حاضر در روستا وجود ندارد نیز موافق هستند (۸۴,۱ درصد). بیشتر پاسخگویان در این زمینه که کارگزاران دولتی بهتر از افراد محلی می‌توانند در هنگام فرایند مخاطراتی نظیر سیل و زلزله به مردم کمک کنند، پس بهتراست اداره این امور را به آنها واگذار کرد مخالف هستند (۵۶,۸ درصد). در عین حال معتقدند نهاد محلی به جهت آشنایی با موقعیت و وضعیت روستا بهتر از نیروهای امداد رسان خارج از روستا می‌توانند مرحله امداد و نجات را مدیریت کنند به شرط آنکه به امکانات اولیه مجهز باشند (۵۶,۸ درصد).

از سوی دیگر بیشتر پاسخگویان تا حدی اعتقاد دارند که آسیب‌پذیری روستا و مسکن در برابر مخاطرات طبیعی بیشتر ناشی از استقرار نامناسب آنها است (۶۸,۲ درصد). مضاف بر اینکه با توجه به تجربه قبلی خود، معتقدند در صورت وقوع بلایای طبیعی نظیر زلزله و سیل، می‌توان اثرات آن را کاهش داد (۷۵ درصد). اکثر پاسخگویان با این عبارت که شورای اسلامی روستایی و دهیارها توانایی ارائه خدمات مقابله و واکنش در برابر بلایای طبیعی را دارا هستند تا حدی موافقند (۶۸,۲ درصد). در عین حال بر این نکته توافق دارند که در صورت اعمال نظارت دقیق بر نحوه ساخت و سازهای روستا، میزان آسیب‌پذیری بسیار کاهش می‌یابد (۴۵,۵ درصد).

بازسازی و بازتوانی بعد از وقوع بلایای طبیعی:

همان طور که نتایج نشا داد، بیشتر پاسخگویان معتقدند برنامه‌ریزی مشخصی در خصوص بازسازی و بازتوانی بعد از وقوع مخاطرات طبیعی و بحران ناشی از آن در روستای محل خدمت تا حدودی (۷۲,۷ درصد) صورت گرفته است. میزان آگاهی بیشتر پاسخگویان از اقدامات لازم به منظور بازسازی و بازتوانی بعد از مخاطرات طبیعی نظیر سیل و زلزله تا حدودی (۸۱,۸ درصد) است. بیشتر پاسخگویان میزان اهمیت فعالیت در مرحله بازسازی و بازتوانی از فرایند مدیریت بحران را تا سطح متوسطی (۵۴,۵ درصد) عنوان می‌کنند. بیشتر پاسخگویان میزان اقدامات عملی در رابطه با بازسازی و بازتوانی بعد از مخاطرات طبیعی نظیر سیل و زلزله را در حد متوسط (۵۲,۳ درصد) می‌دانند. میزان تعامل و همکاری نهادهای محلی روستا (دهیاری و شوراهای اسلامی) در مرحله بازسازی و بازتوانی در برابر بلایای طبیعی زیاد (۵۲,۳ درصد) می‌باشد. بیشتر پاسخگویان امکان ارائه خدمات بازسازی و بازتوانی (مقاوم سازی مساکن و ایمن سازی محیط روستا در برابر بلایای طبیعی و....) نهادهای محلی روستایی (دهیاری و شوراهای اسلامی) به مردم روستا را زیاد (۷۷,۳ درصد) می‌دانند. همچنین بیشتر پاسخگویان نقش نهادهای محلی روستایی (دهیاری و شوراهای اسلامی) در ارائه خدمات بازسازی و بازتوانی (مقاوم سازی مساکن و ایمن سازی محیط روستا در برابر بلایای طبیعی و....) به مردم روستا را زیاد (۷۷,۳ درصد) می‌دانند.

با توجه به نتایج به دست آمده، بیشتر پاسخگویان امکان استفاده از قابلیت و توانایی دهیاری و شورای اسلامی برای آمادگی مخاطرات طبیعی را متوسط (۷۷,۳ درصد) می‌دانند. بیشتر پاسخگویان معتقدند مسوولین بخشداری و فرمانداری به آنها در ابراز نظر و ارائه شیوه مدیریتی نو و طرح های اجرایی در مدیریت بحران تا حد زیادی (۹۰,۹ درصد) بها می‌دهند. در عین حال معتقدند روستاییان تا حدودی (۷۲,۷ درصد) از ایده‌ها و نظرات آنان در شیوه‌های مدیریتی جدید مدیریت بحران استقبال می‌کنند. در خصوص انجام برنامه ریزی مشخص برای آمادگی در برابر مخاطرات طبیعی در روستای محل خدمت، بیشتر پاسخگویان معتقدند تا حدودی (۸۶,۴ درصد) این آمادگی صورت گرفته است. در زمینه میزان آگاهی از اقدامات لازم به منظور آمادگی در برابر مخاطرات طبیعی بیشتر پاسخگویان آن را تا حدودی (۷۵ درصد) مناسب می‌دانند. در زمینه میزان اهمیت فعالیت شورای اسلامی روستا و دهیار در مرحله آمادگی بیشتر پاسخگویان آن را به این ترتیب زیاد می‌دانند (۸۱,۸ درصد) و (۷۲,۷ درصد).

در زمینه میزان تعامل دهیار و شورای اسلامی روستا در مرحله آمادگی در برابر بلایای طبیعی بیشتر پاسخگویان آن را در سطح متوسط (۶۸,۳ درصد) ذکر می‌کنند. همچنین نقش شورای اسلامی و دهیار در ارائه خدمات آمادگی (بالا بردن آگاهی عمومی و آشناکردن همگان با خطرات بلایای طبیعی) به مردم روستا را در سطح زیاد (۸۱,۸ درصد) ابراز می‌کنند. بیشتر پاسخگویان معتقدند شورای اسلامی و دهیار تا حدودی (۸۱,۸ درصد) به تجهیزات روستا در امکانات اضطراری نظیر آتش نشانی و آمبولانس کمک کرده‌اند.

با توجه به نتایج میزان ارتباط و تعامل بیشتر پاسخگویان با سازمانهای ذی ربط (هلال اهرم/ستاد مدیریت بحران) در کمک‌های اولیه و امداد و نجات زیاد (۷۷,۳ درصد) بوده است. در زمینه کار کردن با تجهیزات امداد و نجات بیشتر پاسخگویان تا حد زیادی (۶۳,۶ درصد) قادرند با آنها کار کنند. بیشتر پاسخگویان معتقدند برنامه‌ریزی مشخصی برای مقابله با مخاطرات طبیعی و بحران ناشی از آن در روستای خود تا حد متوسطی (۸۴,۱ درصد) صورت گرفته

است. بیشتر پاسخگویان معتقدند در صورت بروز بلایای طبیعی و آسیب دیدن روستا تا حد زیادی (۷۰,۵ درصد) می‌توانند در کمک‌های اولیه (تامین غذا و پوشاک) نقش داشته باشند. همچنین بیشتر پاسخگویان امکان اطلاع‌رسانی در روستای محل خدمت خود هنگام وقوع بلایای طبیعی را تا حدودی (۶۸,۲ درصد) می‌دانند. بیشتر پاسخگویان معتقدند برنامه ریزی مشخصی برای مقابله و واکنش در برابر مخاطرات طبیعی در روستای محل خدمت تا حدودی (۷۹,۵ درصد) صورت گرفته است. میزان آگاهی بیشتر پاسخگویان از اقدامات لازم به منظور مقابله و واکنش در برابر مخاطرات طبیعی نظیر سیل و زلزله در سطح متوسطی (۵۶,۸ درصد) است.

بیشتر پاسخگویان میزان اهمیت اقدامات عملی خود را در رابطه با مقابله و واکنش از مخاطرات طبیعی نظیر سیل و زلزله زیاد (۸۶,۴ درصد) ذکر می‌کنند. همین‌طور بیشتر پاسخگویان میزان تعامل دهیاری و شورای اسلامی روستا در مرحله مقابله و واکنش در برابر بلایای طبیعی را زیاد (۸۱,۸ درصد) می‌دانند. بیشتر پاسخگویان امکان ارائه خدمات کمک‌های امدادی و اسکان موقت شورای اسلامی و دهیاری به مردم بعد از وقوع بلایا را در سطح زیادی (۵۰ درصد) عنوان می‌کنند.

در زمینه اینکه بازسازی و بازتوانی بعد از وقوع بلایای طبیعی به عهده دولت مرکزی است و نه نهاد محلی، بیشتر پاسخگویان تاحدی موافق هستند (۶۸,۲ درصد). بیشتر پاسخگویان با این عبارت که کارگزاران دولتی بهتر از افراد محلی می‌توانند در بازسازی و بازتوانی بعد وقوع مخاطراتی نظیر زلزله و سیل به مردم کمک کنند، بنابراین بهتر است اداره این امور را به آنها واگذار نمود، مخالف هستند (۷۲,۷ درصد). اما با اینکه نهادهای محلی نظیر شورای اسلامی روستایی و دهیارها بهتر از کارگزاران دولتی می‌توانند در بازسازی و بازتوانی بعد از وقوع مخاطراتی نظیر زلزله و سیل به مردم کمک نمایند. پس بهتر است اداره این امور را به آنها واگذار نمود موافق هستند. (۶۳,۶ درصد).

همین‌طور با اینکه نهادهای محلی نظیر شورای اسلامی روستایی و دهیاری‌ها توانایی ارائه خدمات در بازسازی و بازتوانی بعد وقوع بلایای طبیعی را دارند تا حدی موافق هستند. (۷۰,۵ درصد). بیشتر پاسخگویان با این عبارت که اقدامات عملی در مرحله بازسازی و بازتوانی بعد از وقوع مخاطراتی نظیر زلزله و سیل نیاز به امکاناتی دارد که در حال حاضر در نهاد ما وجود ندارد تا حدی موافق هستند (۶۵,۹ درصد).

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: آگاهی مدیران محلی منطقه مورد مطالعه از فرایند مدیریت بحران در سطح پایینی قرار دارد.

طرح این فرضیه در پی یافتن میزان آگاهی مدیران محلی از فرایند مدیریت بحران در رابطه با مخاطرات طبیعی می‌باشد. با این تفسیر فرض H_0 و H_1 به صورت زیر مطرح می‌باشد:

فرضیه H_1 : آگاهی مدیران محلی منطقه مورد مطالعه از فرایند مدیریت بحران در سطح پایینی است.

فرضیه H_0 : آگاهی مدیران محلی منطقه مورد مطالعه از فرایند مدیریت بحران در سطح پایینی نیست.

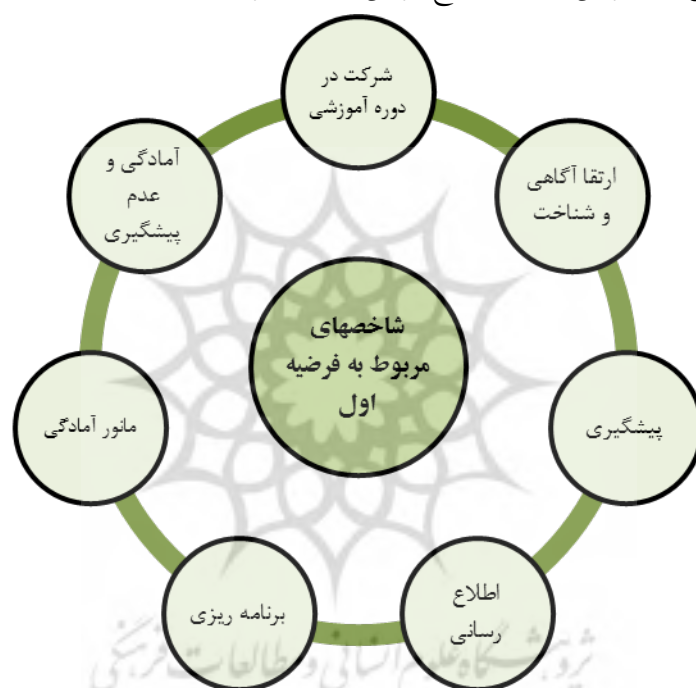
برای این فرضیه با توجه به طیف مورد استفاده (طیف لیکرت) برای سوالات مطرح شده از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. جدول نتایج آزمون t را برای این فرضیه نشان می‌دهد.

جدول ۳ نتایج آزمون t تک نمونه‌ای به منظور آزمون فرضیه اول

فاصله اطمینان ۹۵٪	حد استاندارد: ۳					خطای میانگین استاندارد شده	آماره آزمون	میانگین	تعداد
	پایین‌تر	بالا تر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری				
-۰.۲۸	-۰.۴۴	-۰.۳۶	۰.۰۰۰	۴۳	-۹.۱۷	۰.۴۰	۰.۲۶۵	۲.۶۳	۴۴

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون t بیانگر این مورد است که میزان آگاهی مدیران محلی از فرایند مدیریت بحران در برابر مخاطرات طبیعی، با توجه به اینکه مقدار sig در سطح معناداری ۹۵٪ برابر با ۰.۰۰۰ است، در سطح پائینی می‌باشد. بنابراین می‌توان فرض H_0 را به نفع فرض H_1 رد کرد.



فرضیه دوم: مدیران محلی منطقه مورد مطالعه از نقش خود در فرایند برنامه‌ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی در نواحی روستایی آگاهی اندکی دارد.

طرح این فرضیه در پی یافتن میزان آگاهی مدیران محلی از نقش خود در فرایند برنامه‌ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی می‌باشد. با این تفسیر فرض H_0 و H_1 به صورت زیر مطرح می‌باشد:

فرضیه H_1 : مدیران محلی منطقه مورد مطالعه نسبت به نقش خود در فرایند برنامه‌ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی آگاه می‌باشند.

فرضیه H_0 : مدیران محلی منطقه مورد مطالعه نسبت به نقش خود در فرایند برنامه‌ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی آگاه نمی‌باشند.

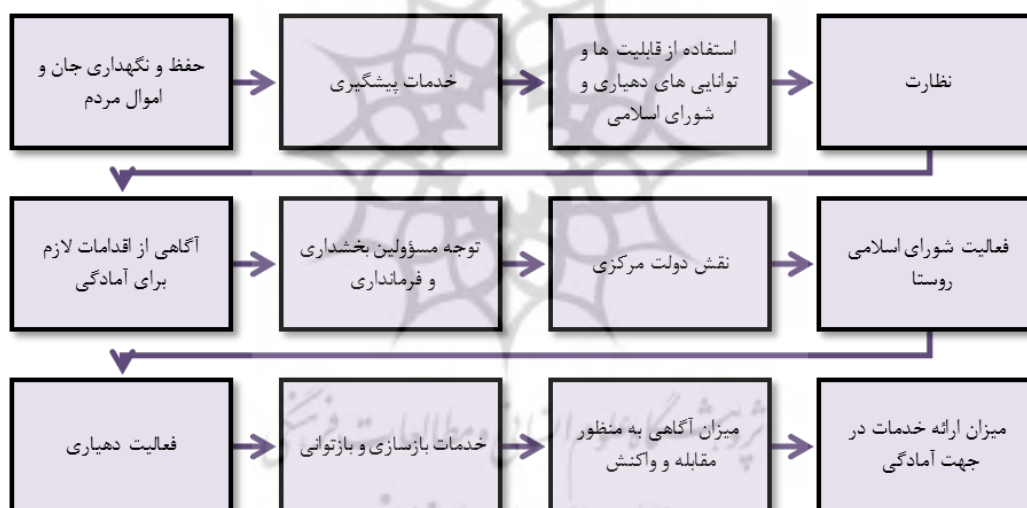
برای این فرضیه با توجه به طیف مورد استفاده (طیف لیکرت) برای سوالات مطرح شده از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. جدول (۴) نتایج آزمون t را برای این فرضیه نشان می‌دهد.

جدول (۴): نتایج آزمون t تک نمونه‌ای به منظور آزمون فرضیه دوم

فاصله اطمینان ۹۵٪		حد استاندارد: ۳		خطای میانگین استاندارد شده		تعداد	میانگین	انحراف معیار
پایین تر	بالا تر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	تفاوت میانگین	۴۴	۲,۵۴	۰,۱۹۶
-۰,۳۹	-۰,۵۱	-۱۵,۲۳	۴۳	۰,۰۰۰	۰,۰۲۹			

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون t بیانگر این مورد است که مدیران محلی از نقش خود در فرایند برنامه‌ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی در نواحی روستایی، با توجه به اینکه مقدار Sig در سطح معناداری ۹۵٪ برابر با ۰,۰۰۰ است، آگاه می‌باشند. بنابراین می‌توان فرض H0 را به نفع فرض H1 رد کرد. البته لازم به توضیح است با توجه به میزان حد استاندارد که ۳ یعنی متوسط می‌باشد و میانگین که ۲,۵۴ است، تایید فرض H1 به معنای بالا بودن میزان آگاهی مدیران محلی از نقش خود در فرایند مدیریت بحران نمی‌باشد بلکه نشانگر این است که این میزان در حد متوسطی قرار دارد.



فرضیه سوم: بین میزان آگاهی مدیران محلی از نقش خود در برنامه ریزی کاهش مخاطرات طبیعی و عملکرد آنان در این زمینه، رابطه معنی داری وجود دارد.

فرض H0 و H1 برای آزمون این فرضیه به صورت زیر می‌باشد:

فرضیه H1: بین میزان آگاهی مدیران محلی از نقش خود در برنامه ریزی کاهش مخاطرات طبیعی و عملکرد آنان در این زمینه، رابطه معنی داری وجود دارد.

فرضیه H0: بین میزان آگاهی مدیران محلی از نقش خود در برنامه‌ریزی کاهش مخاطرات طبیعی و عملکرد آنان در این زمینه، رابطه معنی داری وجود ندارد.

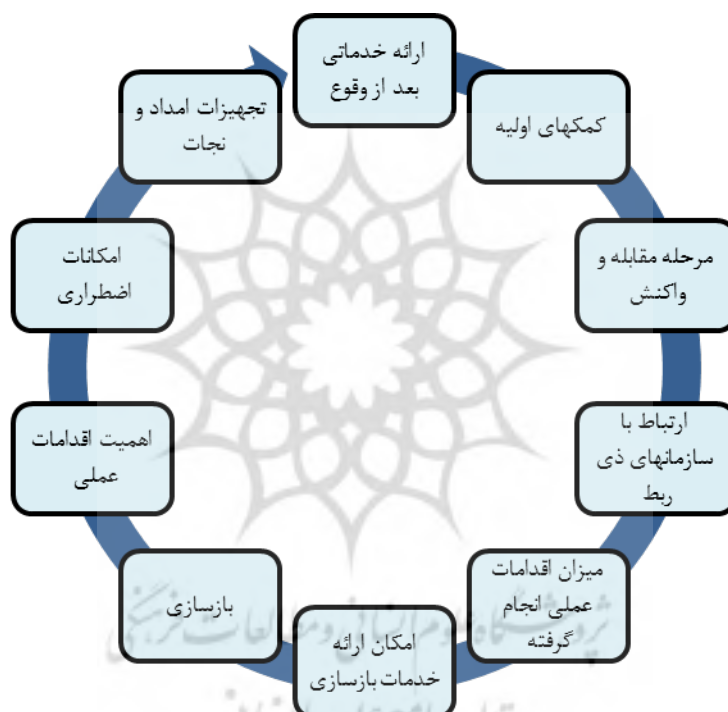
برای این فرضیه با توجه به طیف مورد استفاده (طیف لیکرت) برای سوالات مطرح شده از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. جدول (۵) نتایج آزمون t را برای این فرضیه نشان می‌دهد.

جدول (۵) نتایج آزمون t تک نمونه‌ای به منظور آزمون فرضیه سوم

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	مقدار t	درجه آزادی	حد استاندارد: ۳	
						فاصله اطمینان ۹۵٪	پایین تر بالاتر
۴۴	۲,۲۸	۰,۲۴	۰,۳۷	-۱۹,۴۲	۴۳	۰,۰۰۰	-۰,۷۱

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون t بیانگر این مورد است که بین میزان آگاهی مدیران محلی از نقش خود در برنامه ریزی کاهش مخاطرات طبیعی و عملکرد آنان در این زمینه رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به اینکه مقدار Sig در سطح معنادرای ۹۵٪ برابر با ۰,۰۰۰ است، بنابراین می‌توان فرض H_0 را به نفع فرض H_1 رد کرد.



فرضیه چهارم: نوع نگرش و سطح دانش مدیران محلی در زمینه مدیریت بحران، بر عملکرد آنان در برنامه-ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی تاثیرگذار است.

فرض H_0 و H_1 برای آزمون این فرضیه به صورت زیر می‌باشد:

فرضیه H_1 : نوع نگرش و سطح دانش مدیران محلی در زمینه مدیریت بحران، بر عملکرد آنان در برنامه‌ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی تاثیرگذار است.

فرضیه H_0 : نوع نگرش و سطح دانش مدیران محلی در زمینه مدیریت بحران، بر عملکرد آنان در برنامه‌ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی تاثیرگذار نیست.

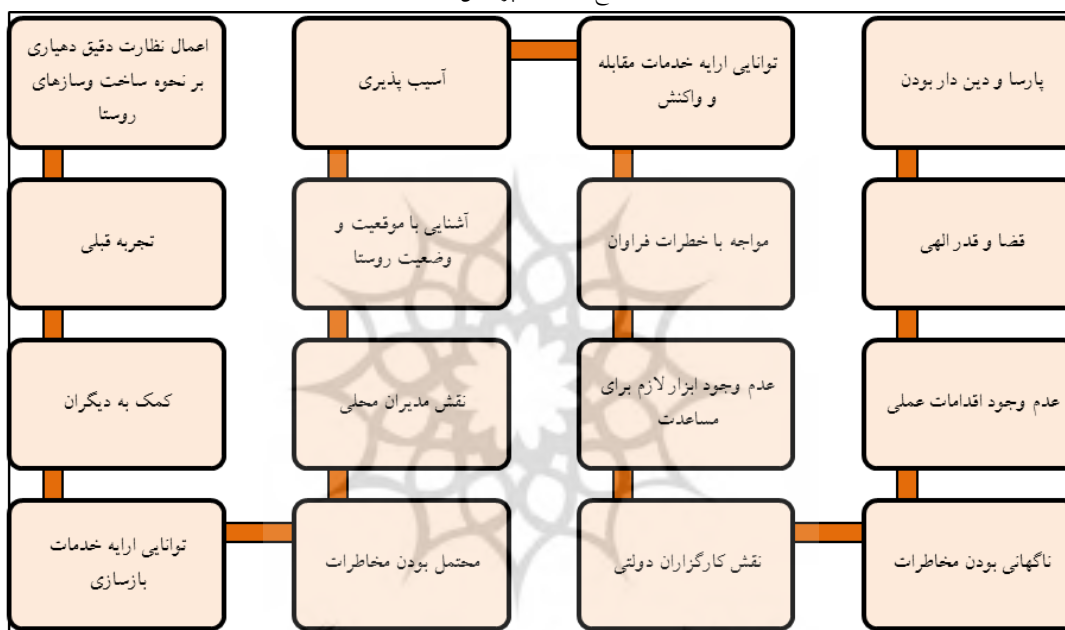
برای این فرضیه با توجه به طیف مورد استفاده (طیف لیکرت) برای سوالات مطرح شده از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شده است. جدول (۶) نتایج آزمون t را برای این فرضیه نشان می‌دهد.

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون t بیانگر این مورد است که نوع نگرش و سطح دانش مدیران محلی در زمینه مدیریت بحران، بر عملکرد آنان در برنامه‌ریزی برای کاهش مخاطرات طبیعی تاثیرگذار است. با توجه به اینکه مقدار Sig در سطح معناداری ۹۵٪ برابر با ۰,۰۰۰ است. بنابراین می‌توان فرض H0 را به نفع فرض H1 رد کرد.

جدول (۶) نتایج آزمون t تک نمونه‌ای به منظور آزمون فرضیه چهارم

فاصله اطمینان ۹۵٪		حد استاندارد: ۳				خطای میلگون استاندارد	تاریخ معیار	میانگین	تعداد
پایین تر	بالا تر	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵٪				
-۰,۴۱	-۰,۵۷	-۱۲,۰۵	۴۳	۰,۰۰۰	-۰,۴۹	۰,۰۴	۰,۲۷	۲,۵۰	۴۴

منبع: یافته‌های پژوهش



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این تحقیق به نقش مدیریت محلی (شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها) در ارائه الگویی به جهت برنامه‌ریزی کاهش مخاطرات طبیعی پرداخته شد. هدف این بود تا نقش مدیریت محلی را در کاهش مخاطرات طبیعی در نواحی روستایی بررسی کنیم. با توجه به مسئولیت این دو نهاد عمومی غیردولتی (یعنی شوراهای اسلامی روستایی و دهیاریها که با عنوان مدیریت محلی مورد اشاره قرار می‌گیرد) در حفاظت از روستاهای تحت مدیریت خویش در مقابل حوادث طبیعی و همچنین مدیریت بلایای طبیعی در روستاها، ارزیابی و بررسی نقش و عملکرد آنها در برنامه‌ریزی کاهش مخاطرات طبیعی در روستاها می‌تواند در برنامه ریزی های مربوط به مدیریت بحران روستاها موثر باشد. در مجموع مروری بر نتایج مطالعه انجام شده در محدوده مورد مطالعه نشان می‌دهد که:

پیشگیری و آمادگی در برابر بلایای طبیعی

- روستاهای مورد مطالعه بیشتر در معرض زلزله، سیل، خشکسالی (بحران با تنش آب) قرار دارند.

- بیشتر پاسخگویان در دوره‌های آموزشی مربوط به مدیریت بحران و مدیریت بلایای طبیعی شرکت کرده‌اند و این آموزشها در ارتقای آگاهی و شناخت افراد از بلایای طبیعی تاثیر زیاد داشته است.
- اقدامات عملی پیش از وقوع مخاطرات موثرتر بوده و شناخت آنان از ریسک‌ها و آسیبهای ناشی از مخاطرات زیاد می‌باشد.
- آشنایی بیشتر پاسخگویان از علل طبیعی وقوع و خسارات و پیامدهای حاصل از مخاطرات طبیعی در سطح متوسطی است. همچنین بیشتر افراد این شناخت را تا حد زیادی سبب اصلاح شیوه‌های مدیریتی می‌دانند.
- بیشتر افراد موقعیت قرارگیری روستا با توجه به ویژگیهای جغرافیایی را در آسیب‌پذیری آن در برابر مخاطرات طبیعی موثر می‌دانند و شدت خطر سیل و زلزله را در همه جای منطقه به یک اندازه نمی‌دانند.
- بیشتر افراد معتقدند با توجه به حادثه خیز بودن منطقه، زلزله و سیل همواره در کمین است و باید همیشه آماده مقابله با آن بود.
- بیشتر پاسخگویان از زمان زندگی در روستای خود، از میان مخاطرات طبیعی بیشتر زلزله را تجربه کرده‌اند. و از نظر بیشتر افراد طی سه سال گذشته یک بار بلایای طبیعی در روستای شان رخ داده است.
- بیشتر افراد در بین اقدامات معمول برای پیشگیری و کاهش خطر سیل به ترتیب گابیون بندی، دیوار کشی، سنگ چین کردن، آموزش به مردم و اطلاع رسانی به موقع را مهم می‌دانند. همچنین اقدامات معمول برای کاهش خطر سیل در روستاهای پاسخگویان بیشتر در حال انجام و یا در حال برنامه‌ریزی است.
- بیشتر افراد در بین اقدامات معمول برای کاهش آثار مخرب زلزله به ترتیب توزیع کتابچه‌های آموزشی برای آشنایی مردم، تهیه و تدارکات تجهیزات ایمنی و بیمه کردن خانه‌های مسکونی را مهم می‌دانند. همچنین در بین اقدامات معمول برای کاهش آثار مخرب زلزله که توسط پاسخگویان انجام شده، نظارت دقیق بر ساخت مسکن مقاوم و رعایت اصول ایمنی در ساخت وسازهای روستایی بیشترین اقدامات می‌باشند.
- بیشتر پاسخگویان از برنامه‌ریزی مشخص در خصوص پیشگیری از مخاطرات طبیعی در روستای محل خدمت اشراف چندانی ندارند.
- بیشتر پاسخگویان فعالیت شورای های اسلامی روستا، دهیاری و کارکنان دهیارها را در مرحله پیشگیری در سطح زیاد ارزیابی می‌کنند. در عین حال هماهنگی و تعامل دهیاری و شورای اسلامی روستا را در مرحله پیشگیری از بلایای طبیعی را در حد زیادی مهم تلقی می‌کنند.
- بیشتر پاسخگویان بلایای طبیعی را پدیده‌ای ناگهانی می‌دانند که نمی‌توان در برابر آنها اقدامات زیادی انجام داد.
- بیشتر پاسخگویان پیشگیری را مقدم بر درمان دانسته و عمده خسارت‌های ناشی از بلایای طبیعی را به خاطر نداشتن آمادگی در برابر آنها می‌دانند. همچنین بلایای طبیعی را امر احتمالی می‌دانند که باید به فکر چاره آن بود.
- بیشتر پاسخگویان خطر بلایای طبیعی را مرتبط به پارسا و دین دار بودن انسان نمی‌دانند و با این نظر که بلایای طبیعی نتیجه گناه بندگان و خشم خداوند بوده و از خطر بلایا باید به قضا و قدر الهی پناه برد مخالف هستند.
- بیشتر پاسخگویان وظیفه حفظ و نگهداری جان و اموال مردم و جلوگیری از صدمه به آنها را به عهده دهیاری و شورای اسلامی روستا دانسته و آنها را قادر به ارایه خدمات پیشگیری از بلایای طبیعی می‌دانند.

- در بیشتر روستاهای مطالعه شده پاسخگویان، مانور آمادگی بلایای طبیعی برگزار شده است.
- بیشتر پاسخگویان امکان استفاده از قابلیت و توانایی دهیاری و شورای اسلامی برای آمادگی مخاطرات طبیعی را متوسط می‌دانند.
- مسولین بخش‌داری و فرمانداری به دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستایی در ابراز نظر و شیوه‌های نوین مدیریتی و طرح‌های اجرایی در مدیریت بحران تا حد زیادی بها می‌دهند.
- روستاییان تا حدودی از ایده‌ها و نظرات دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستایی در شیوه‌های مدیریتی جدید مدیریت بحران استقبال می‌کنند.
- بیشتر پاسخگویان فعالیت مدیریت محلی را در مرحله آمادگی تا حد زیادی مهم می‌دانند و تعامل آنها در این مرحله را ضعیف ارزیابی می‌کنند.
- بیشتر پاسخگویان نقش شورای اسلامی روستا و دهیاری را در ارائه خدمات آمادگی (بالابردن آگاهی عمومی و آشناکردن همگان با مخاطرات بلایای طبیعی) به مردم روستا را زیاد می‌دانند.
- بیشتر پاسخگویان معتقدند شورای اسلامی روستا و دهیاری تا حدودی به تجهیزات روستا در امکانات اضطراری نظیر آتش‌نشانی و آمبولانس کمک کرده‌اند.

مقابله و واکنش به بلایای طبیعی

- میزان ارتباط و تعامل بیشتر پاسخگویان با سازمانهای ذی ربط (هلال احمر/ستادمدیریت بحران) در کمکهای اولیه و امداد و نجات زیاد است.
- بیشتر پاسخگویان تا حد زیادی قادرند با تجهیزات امداد و نجات کار کنند.
- در بیشتر روستاها برنامه ریزی برای مقابله با مخاطرات طبیعی و بحران ناشی از آن در حد متوسطی صورت گرفته است.
- میزان آگاهی بیشتر پاسخگویان از اقدامات لازم به منظور مقابله و واکنش در برابر مخاطرات طبیعی تا حدودی است و آنها در صورت بروز بلایای طبیعی و آسیب دیدن روستا تا حد زیادی می‌توانند در کمکهای اولیه نقش داشته باشند. و میزان اهمیت اقدامات عملی شان در این رابطه را زیاد می‌دانند.
- در بیشتر روستاها امکان اطلاع رسانی هنگام وقوع بلایای طبیعی تا حدودی وجود دارد.
- میزان تعامل دهیاری و شورای اسلامی روستا در مرحله مقابله و واکنش در برابر بلایای طبیعی زیاد می‌باشد.
- امکان ارائه خدمات کمکهای امدادی و اسکان موقت توسط شورای اسلامی روستا و دهیاری به مردم بعد از وقوع بلایا زیاد می‌باشد.
- بیشتر پاسخگویان کمک به دیگران در فرایند مخاطرات را یک وظیفه انسانی می‌دانند.
- بیشتر پاسخگویان مساعدت به روستاییان در هنگام وقوع مخاطرات را نیاز به ابزارهایی می‌دانند که در حال حاضر در روستایشان وجود ندارد.
- بیشتر پاسخگویان اعتقاد دارند نهادهای محلی روستا (شورای اسلامی روستا و دهیاری‌ها) به جهت آشنایی با موقعیت و وضعیت روستا بهتر از نیروهای امداد رسان خارج از روستا میتوانند مرحله امداد و نجات را مدیریت کنند.

- بیشتر پاسخگویان آسیب‌پذیری روستا و مسکن در برابر مخاطرات طبیعی را تاحدی ناشی از استقرار نامناسب آنها می‌دانند و کاملاً معتقدند در صورت اعمال نظارت دقیق دهیاری بر نحوه ساخت و سازهای روستایی میزان آسیب‌پذیری بسیار کاهش می‌یابد.
- بیشتر پاسخگویان شورای اسلامی روستایی و دهیاری‌ها را در ارائه خدمات مقابله و واکنش در برابر بلایای طبیعی تاحدی توانا می‌دانند.
- بیشتر پاسخگویان معتقدند برنامه‌ریزی مشخص در خصوص بازسازی و بازتوانی بعد از وقوع مخاطرات طبیعی و بحران ناشی از آن در روستای محل خدمت تاحدودی صورت گرفته است.
- میزان آگاهی بیشتر پاسخگویان از اقدامات لازم به منظور بازسازی و بازتوانی بعد از مخاطرات طبیعی نظیر سیل و زلزله در سطح متوسطی است.
- بیشتر پاسخگویان میزان اهمیت فعالیت و میزان اقدامات عملی خود در مرحله بازسازی و بازتوانی از فرایند مدیریت بحران را متوسط ارزیابی می‌کنند.
- بیشتر پاسخگویان میزان تعامل و همکاری و امکان ارائه خدمات بازسازی و بازتوانی نهادهای روستا (دهیاری و شورای اسلامی) در مرحله بازسازی و بازتوانی در برابر بلایای طبیعی را در سطح بالایی می‌دانند.
- بیشتر پاسخگویان بازسازی و بازتوانی بعد از وقوع بلایای طبیعی را تاحدی به عهده دولت مرکزی می‌دانند نه نهادهای محلی، اما معتقدند که نهادهای محلی توانایی ارائه خدمات در بازسازی و بازتوانی بعد از وقوع مخاطرات را دارند و در این زمینه بهتر از کارگزاران دولتی می‌توانند به مردم کمک نمایند.
- بیشتر پاسخگویان اقدامات عملی در مرحله بازسازی و بازتوانی بعد از وقوع مخاطرات را نیاز به امکاناتی می‌دانند که در حال حاضر در نهادشان وجود ندارد.

منابع

- احمدی، مسعود، (۱۳۸۲)، مبانی سازمان و مدیریت، انتشارات مؤسسه نشر و ویرایش، چاپ اول، تهران.
- ازکیا، مصطفی، شیرزاد، حسین، صادقی، محمد، (۱۳۸۴)، اصول ایمنی و مقابله با حوادث پیش‌بینی نشده در مناطق روستایی، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول.
- اسمیت، کیت، (۱۳۸۲)، مخاطرات محیطی، ابراهیم مقیمی، شاپور گودرزی نژاد، انتشارات سمت، چاپ اول، تهران.
- افتخاری، رکن‌الدین، عبدالرضا، وزین، نرگس، پور طاهری، مهدی، (۱۳۸۶)، فرایند مدیریت بلایای طبیعی در شیوه بومی و جدید: روستاهای بخش خورش رستم (شهرستان خلخال)، فصلنامه مدرس علوم انسانی.
- امیدوار، کمال، (۱۳۹۰)، مخاطرات طبیعی، انتشارات دانشگاه یزد، چاپ اول.
- آهنچی، محمد، (۱۳۷۶)، مدیریت سوانح: مفاهیم، اصول و تئوری‌ها، کتاب یکم، مرکز آموزش و تحقیقات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- بدری، سید علی، موسوی، سید عارف، (۱۳۸۸)، مدیریت نوین روستایی در جستجوی راهکارهای مناسب برای توسعه دهیاری‌ها، مؤسسه انتشاراتی فرهنگی اشتیاق نور، چاپ اول.
- بدری، سید علی، (۱۳۸۴)، آشنایی با مدیریت بحران (اصول و مبانی)، جزوه آموزشی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، تهران.
- بهرام پور، مهدی، (۱۳۸۸)، بررسی و تبیین الگوی جانمایی سایت‌های مدیریت بحران (نمونه موردی: شهر تهران منطقه ۳)، به راهنمایی محمد رضا بمانیان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.

- بیرودیان، نادر، (۱۳۸۵)، مدیریت بحران و اصول ایمنی در حوادث غیر منتظره، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ دوم.
- پیرشان، مجید، (۱۳۹۰)، کاهش آسیب پذیری مخاطرات طبیعی (زلزله) با استفاده از رویکرد مدیریت ریسک (مطالعه موردی: مناطق روستایی استان قزوین)، به راهنمایی مهدی پور طاهری، پایان نامه دکترای جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
- حافظ نیا، محمد رضا، (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت.
- حسینی، مازیار و همکاران، (۱۳۸۷)، مدیریت بحران، سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، چاپ اول.
- جهانگیری، کتایون، (۱۳۸۹)، آشنایی با نظام مدیریت بحران در ایران و برخی کشورهای جهان، انتشارات مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال احمر ایران، چاپ اول.
- دربان آستانه، علیرضا، (۱۳۸۴)، جایگاه مدیریت روستایی در برنامه چهارم، ماهنامه دهیاری ها، شماره ۱۵.
- عصار، محمد، (۱۳۷۰)، راهنمای بهسازی محیط در بلایای طبیعی، ابوالحسن ندیم، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، تهران.
- قدیری، محمود، (۱۳۸۷)، رابطه ساخت اجتماعی شهر و آسیب پذیری در برابر زلزله (نمونه موردی: کلانشهر تهران)، رساله دکترای رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان اسلامشهر، ۱۳۷۵.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان اسلامشهر، ۱۳۸۵.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان ری، ۱۳۶۵.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان ری، ۱۳۹۰.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان ری، ۱۳۹۵.
- وزین، نرگس، (۱۳۸۶)، نقش دانش بومی و نوین در کاهش آسیب های محیطی در روستاها (مطالعه موردی: بخش خورش رستم شهرستان خلخال)، به راهنمایی عبدالرضا رکن الدین افتخاری، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس.
- هادی زاده بزاز، مریم، (۱۳۸۶)، مدیریت بحران: کاهش آسیب پذیری در برابر بلایای طبیعی، انتشارات آذر برزین، چاپ اول.
- هجرتی، سید عباس، (۱۳۸۵)، ارزیابی راهبردهای مؤثر بر مدیریت بحران (بلایای طبیعی) در طرح های توسعه شهری (مورد: مجموعه شهرهای تهران)، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری و منطقه ای، تقی خانی، شهاب، (۱۳۸۵)، تبیین نقش آموزش و مشارکت در کاهش ریسک زلزله، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مهندسی و مدیریت سوانح طبیعی، دانشکده محیط زیست، دانشگاه تهران. دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- صادقی، علی و همکاران (۱۳۹۵) شناسنامه امنیتی، اجتماعی و اقتصادی شهرستان قرچک
- میر لطفی و محمد زایی راد (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان ((بررسی نقش مدیریت بحران در توسعه پایدار روستایی منطقه سیستان)).
- فاتحی و صالح در تحقیقی با موضوع ((ارائه الگوی جدید برای جلب مشارکت مردمی در بازسازی روستاها به منظور کاهش آسیب پذیری در مقابل زلزله)) سال انتشار ۱۳۹۳ دومین کنگره بین المللی سازه
- آشنایی با مدیریت بحران با تاکید بر نقاط روستایی (۱۳۸۵) آموزش و آشنایی دهیاران در راستای مدیریت بحران و مقابله با بلایای طبیعی
- سایت شهرداری قرچک <http://gharchak.ir>
- سایت فرمانداری قرچک <https://qarchak.ostan-th.ir>
- FIG (2006) , The Contribution of the Surveying Profession to Disaster Risk Management , A Publication of FIG Working Group 8.4 International Federation of Surveyors (FIG) , www.fig.net.
- Ghafory – Ashtyani , Mohsen (2005) , Earthquake Risk Management Strategis : The Iranian Experience , IIEES.
- Rohit, Jigyasu & John Thomas Cooper. (2004), Sustainable Post Disaster Reconstruction Through Integrated Risk, Management. The Case Of Rural Communities South Asia.
- UNDP. (2002), An Overview Of Disaster Management. Training Modules, Un. Disaster Management. Training Program.

Jennifer S. Porter – Gibson (2000) , Assessing the Flood Vulnerability of Rural Communities in Huzhou , China , M.A.D 207.

